

پنجشنبه ۰۳ مارچ ۲۰۱۶

ناتور رحمانی

چرا؟

امروز دگر سینه ی ما را شرری نیست
 خشکیده نوای دل ما را ، اثری نیست
 از جلگه ی فرسایش و تالاب پُر ازخون
 پرواز نتوان کرد، دگر بال و پری نیست
 اندوه به نگاه تیرکشد ، جلوه فزاید
 یک عالم ویرانی، ز وضع باخبری نیست
 دلمردگی ، ازبسکه ز تاراج سخن گفت
 این پرده یأس را، یک پرده دری نیست
 با خنجر بیداد ، نفس نور بُریدند
 بالاتر ازین بخت ، سیه بخت تری نیست
 رسمی ز مروت ، دل هر سنگ ندارد
 بر مُرده بیچاره ی ما، چشم تری نیست
 کاشانه زتوفان حوادث، به فنا رفت
 جز ما به خدا ، درجهان در بدری نیست
 (ناتور) چرا این وضع، دگرگون نمی شود؟
 ما آماده رزمیم ، ز رهبر خبری نیست !!

